

سرگذشت حضرت موسی (ع) در اسلام و مسیحیت

زهرا غلامی^۱

چکیده

شناخت شخصیت حضرت موسی (ع) در قرآن و تورات می‌تواند بهترین ابزار برای آشنایی با حضرت موسی (ع) باشد و تفاوت و شباهت‌های هر دو دیدگاه را بیان کند. زندگی حضرت موسی (ع) از جمله موضوعات دینی مشترک میان دو دین اسلام و مسیحیت است که مورد توجه قرار گرفته است پژوهش‌های پیشین درباره حضرت موسی (ع) به بررسی ادب و اخلاق حضرت موسی (ع) پرداخته است و مقاله پیش رو به بررسی سرگذشت حضرت موسی (ع) در دین اسلام و مسیحیت پرداخته و قصد دارد با مطالعه تطبیقی و محتوایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها را در ادیان مذکور مشخص کنند با بررسی متون اسلامی ولادت حضرت موسی و نجات ایشان از دست فرعون و سپس گذراندن دوران نوجوانی ایشان در قصر فرعون مورد بررسی قرار گرفت با تحلیل‌های حضرت علی (ع) درباره زندگی حضرت موسی (ع) نشان می‌دهد حضرت موسی (ع) بسیار انسان زاهد و قانعی بود در مبانی تورات سرگذشت حضرت موسی (ع) اعم از ولادت، فرار ایشان از قصر فرعون به سمت مدیان و سپس ماجرای آشنایی با شعیب و ازدواج حضرت موسی (ع) با دختر شعیب، به پیامبری برگزیده شدن ایشان و تبدیل شدن عصای هارون به اژدها درحالی‌که در اسلام عصای موسی به اژدها تبدیل می‌شود مورد بررسی واقع شد و دریافته شد که تفاوت جزئی است. این تحقیق به روش توصیفی، تطبیقی و تحلیلی و با هدف بررسی میزان تطبیق سرگذشت حضرت موسی (ع) اعم از ولادت، بعثت، معجزات و غیره را در دو دین اسلام و مسیحیت پرداخته است. اطلاعات این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند.

کلیدواژه : حضرت موسی (ع) _اسلام_مسیحیت

^۱ سطح دو حوزه الغدیر gholamizahra41@gmail.com

سرگذشت حضرت موسی (ع) بیش از پیامبران دیگر در قرآن تکرار شده است و در بیش از ۳۰ سوره و بیشتر از ۱۰۰ بار به ماجرای موسی (ع) و فرعون و بنی اسرائیل اشاره شده است. سرگذشت حضرت موسی (ع) بخاطر ویژگی های قوم بنی اسرائیل حائز اهمیت است چنانچه که در آیات قرآن به تفصیل به آن پرداخته شده است اما مسئله ای که مورد اهمیت است این است که در نگاه مسیحیت هم همان طور است و این مسئله باعث می شود پژوهشی در این زمینه صورت بگیرد. دقت در هر بخش از قصه های مشابه داستان موسی (ع) نشان میدهد که در هر سوره هدفی خاص از طرح داستان ایشان مدنظر بوده و به جنبه های مختلفی از داستان ایشان پرداخته شده و از زاویه های گوناگون به این ماجرا نگریسته شده است. اهمیت دارد که زندگی و شخصیت حضرت موسی (ع) در بستر نهضت انبیای الهی «بکتاپرستی» «شریعت طریقت و حقیقت» مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد. پژوهش هایی درباره سرگذشت حضرت موسی (ع) در قرآن انجام شده از جمله کتاب «هدیه آب» و کتاب «موسی کلیم الله در قرآن» نوشته سید سلمان صفوی چهره حضرت موسی (ع) را به صورت انسانی الهی و انقلابی با خصایل عصمت و شجاعت به تصویر می کشد ولی تاکنون زندگی حضرت موسی (ع) از دامنظر اسلام و مسیحیت مورد توجه قرار نگرفته است شناخت شخصیت حضرت موسی (ع) در قرآن و تورات می تواند بهترین ابزار برای آشنایی با حضرت موسی (ع) باشد. باتوجه به کمبود منابع و عدم دسترسی به منابع بیشتر در این مقاله با بررسی زندگی حضرت موسی (ع) در اسلام و مسیحیت سعی دارد در این راه در حد توان قدمی بردارد و شباهت ها و تفاوت های نگاه هردو دین را درباره حضرت موسی (ع) برشمارد.

۱_ مفهوم شناسی واژگان

لازم است در ابتدا برای درک بهتر مطالب به توضیح واژگان زیر بپردازیم.

۱-۱_ حضرت موسی (ع)

موسی (ع) از پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت و رهبر بنی اسرائیل. موسی بن عمران بن یصهد بن قامت بن لاوی بن یعقوب در ۲۴۶۸ سال پیش از هجرت خاتم انبیا(ص) از مادری به نام «یوکبد» یا «یوخابید» متولد شد.^۱

^۱ فرهنگ معین، ج ۱، ص ۴۹۶

۲-۱_ اسلام

معنی گردن نهادن و فرمان بردن است. و پذیرش شریعت محمد (ص) اسلام میگویند.^۱

معنای خاص تر اسلام آخرین شریعت الهی است که در حدود چهارده قرن پیش بوسیله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به مردم ابلاغ شد.

پس اسلام واقعیتهای کلی است که انسان و عالم محیط بر او را شامل می شود و در حلق ذات موجودات نهفته است.

علت نامگذاری شریعت خاتم به اسلام این است که در این دین بنده تسلیم اراده خدای سبحان است.^۲

۳-۱_ مسیحیت

دین حضرت عیسی مسیح که سه شعبه مهم دارد: کاتولیک، پروتستان، ارتدوکس^۳

مسیح عیسی بن مریم پیامبر الهی که در زمان معاصر به عبری به یسوع و یسوع معروف است، و در اسلام از پیامبران اولوالعزم خوانده می شود، مبعوث گشت تا بنی اسرائیل را به کتاب مقدس جدید هدایت کند.

۲_ سرگذشت حضرت موسی (ع) در اسلام

باتوجه به زندگی حضرت موسی (ع) و ویژگی های قوم ایشان در حد توان به شرح زندگی حضرت موسی (ع) در اسلام پرداخته ایم.

۲-۱_ ولادت حضرت موسی (ع)

جریان ولادت و دوران کودکی حضرت، در ۲ سوره بیان شده است که بر اساس آیات سوره قصص نکاتی بیان می شود. در این سوره، برای ترسیم نمونه زنده ای از پیروزی مستضعفان بر مستکبران، وارد شرح داستان موسی (ع) و فرعون می شود و به بخش هایی می پردازد که حضرت موسی (ع) را در ضعیف ترین حالات و فرعون را در نیرومند ترین شرایط نشان می دهد. نخست می فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ

^۱ فرهنگ معین ج ۱

^۲ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۰۱

^۳ فرهنگ معین ج ۱

فَإِذَا خُفِتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَأَوُوهُ إِلَيْكَ وَجَاعَلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»^۱ «و به مادر موسی (ع) وحی فرستادیم (الهام کردیم) که او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی وی را در دریای نیل بیفکن و نترس و غمگین مباش که ما قطعاً او را به تو باز می گردانیم و او را از رسولان قرار می دهیم»^۲ دستگاه فرعون برنامه وسیعی برای کشتن «نوزادان پسر» از بنی اسرائیل ترتیب داده بود حتی قابله های فرعونی مراقب زنان باردار بنی اسرائیل بودند. یکی از قابله ها با مادر حضرت موسی (ع) دوست بود. آثار حمل موسی (ع) مخفی بود و معلوم نبود. هنگامی که احساس کرد تولد نوزاد نزدیک شده، به سراغ همان قابله فرستاد و گفت: «فرزندی در رحم دارم و امروز به محبت تو نیازمندم.» هنگامی که موسی (ع) متولد شد، از چشمان او نور مرموزی درخشید که بدن قابله به لرزه در آمد و برقی از محبت در اعماق قلب او فرو نشست و زوایای دلش را روشن ساخت، پس گفت: در نظر داشتم تولد این نوزاد را به دستگاه حکومت خبر دهم، تا جلادان بیایند و او را بکشند (ومن جایزه بگیرم)؛ ولی عشق شدیدی از این نوزاد در قلبم احساس میکنم! راضی نیستم مویی از سر او کم شود. با دقت از او حفاظت کن، من فکر می کنم دشمن نهایی ما او باشد. وقتی قابله از خانه بیرون آمد، بعضی از جاسوسان او را دیدند و تصمیم گرفتند وارد خانه عمران، پدر موسی (ع) شوند. خواهر موسی (ع) جریان را به مادر رساند. مادر، با عجله نوزاد را در پارچه ای پیچید و به تنور آتش انداخت! مأمورین وارد شدند، چیزی ندیدند. به مادر موسی (ع) گفتند: «این زن قابله در این جا چه می کرد؟» گفت: «او دوست من است. برای دیدار من آمده بود.» مأمورین بررسی کردند، دیدند اثری از آثار زنان زایمان کرده در او نیست، سپس رفتند... مادر به سوی تنور دوید دید خداوند آتش را برای او همانند جدش ابراهیم (ع) برد و سلام کرده، پس دست برد و نوزادش را سالم بیرون آورد؛ اما باز مادر و بچه در امان نبودند؛ چون مأموران در جست وجو بودند در این جا یک الهام الهی قلب مادر را روشن ساخت. او تصمیم گرفت نوزاد را به نیل بسپارد، پس به سراغ یک نجار رفت (او از فرعونیان بود!) واز او خواست صندوق کوچکی برایش بسازد. نجار گفت: «صندوق را برای چه می خواهی؟!» مادر که عادت به دروغ نداشت، گفت: «نوزاد پسری دارم، می خواهم در آن مخفی کنم.» نجار تصمیم گرفت به جلادان خبر دهد، پس به سراغ آنها رفت؛ اما چنان وحشتی بر قلب او مستولی شد که نتوانست حرف بزند و تنها با دست اشاره می کرد. مأمورین از حرکات او سخریه برداشت کردند، پس او را زدند و بیرونش کردند. هنگامی که آمد مشغول نجاری شد، حال عادی خود را بازیافت. باز هم رفت و نتوانست بگوید. این ماجرا سه بار تکرار شد، فهمید که در این جا سری نهفته است، پس صندوق را ساخت و به مادر موسی (ع)

^۱ قصص، آیه ۷

^۲ قصص، آیه ۸

تحويل داد. ^۱ مادر موسی (ع) آن صندوق را مقیر (قیر اندود) کرد. صبح که هنوز مردم در خواب بودند، نوزاد را همراه صندوق به کنار رود نیل آورد، به نوزاد شیر داد، سپس در صندوق گذاشت و روی آب نهاد. امواج نیل صندوق را می برد. مادر احساس می کرد قلبش از او جدا شده و روی امواج حرکت می کند. قرآن می فرماید: «سرانجام قلب مادر موسی (ع) از همه چیز جز یاد فرزندش تهی گشت و اگر دل او را به وسیله ایمان محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را افشا کند»^۲

۲-۲ دوران جوانی و نوجوانی حضرت موسی (ع)

دوران نوجوانی و جوانی حضرت موسی (ع) در سوره قصص بیان شده است. حضرت موسی (ع) تا دوران بلوغ در کاخ فرعون ماند و خدا به او علم و حکمت عطا کرد؛ ولی سخنان توحیدی او فرعون را ناراحت می کرد، تا آن جا که تصمیم به قتل او گرفت.^۳ حضرت کاخ را رها کرد و به شهر رفت که با نزاع دو نفر (یکی از بنی اسرائیل و دیگری از فرعونیان) مواجه شد. آن که از بنی اسرائیل بوده از موسی (ع) تقاضای کمک کرد بایک مشیت حضرت موسی (ع)، آن فرد فرعونی مرد.^۴ موسی (ع) درجایی مخفی شد. فردا که در شهر بیمناک در انتظار حوادث بود، دید که دوباره همان مرد با دیگری گلاویز شده و از موسی (ع) یاری می خواهد در این میان مردی با عجله آمد و گفت: یا موسی (ع)! سران قوم درباره تو مشورت می کنند تا تورا بکشند.^۵ از شهر خارج شد. در حالیکه به سمت راست و چپ خود نگاه می کرد و می گفت: «رب نجنی من القوم الظالمین»، پروردگارا! مرا از گروه ستمکاران نجات بخش! « حضرت بدون وسیله و آذوقه؛ ولی با قدرت و ایمان و توکل بر خدا به سوی سرزمین (مدین) که

^۱ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتح رازی، پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ص ۹۹

^۲ قصص، آیه ۱۰

^۳ قصص، آیه ۱۴

^۴ قصص، آیه ۱۵

^۵ قصص، آیه ۲۰

^۶ قصص، آیه ۲۱

۷-۳ دیدار موسی (ع) با خداوند

از مهم‌ترین وقایعی که در طول حضور حضرت موسی (ع) به همراه بنی‌اسرائیل در صحرای سینا رخ داد، دریافت الواح از سوی خداوند بود. داستان بالا رفتن موسی (ع) به همراه مشایخ بنی‌اسرائیل و دیدن خداوند اینگونه روایت شده است: «و موسی (ع) با هارون و ناداب و ابیهو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل بالا رفت. و خدای اسرائیل را دیدند، و زیر پای هایش مثل صنعتی از یاقوت کبود شفاف و مانند ذات آسمان در صفا و بر سروران بنی‌اسرائیل دست خود را نگذارد، پس خدا را دیدند و خوردند و آشامیدند. و خداوند به موسی (ع) گفت: نزد من به کوه بالا بیا و آنجا باش تا لوح‌های سنگی و تورات و احکامی را که نوشته‌ام تا ایشان را تعلیم نمایم، به تو دهم. پس موسی (ع) با خادم خود یوشع برخاست، و موسی (ع) به کوه خدا بالا آمد. و به مشایخ گفت: برای ما در اینجا توقف کنید، تا نزد شما برگردیم، همانا هارون و حور با شما می‌باشند. پس هر که امری دارد، نزد ایشان برود.... و موسی چهل روز و چهل شب در کوه ماند.... و چون گفتگو را با موسی (ع) در کوه سینا پایان برد، دو لوح شهادت، یعنی دو لوح سنگ مرقوم به انگشت خدا را به وی داد»^۱.

۸-۳ ده فرمان

خدا با موسی (ع) سخن گفت و این احکام را صادر کرد: «من خداوند خدای تو هستم همان خدایی که تو را از اسارت و بندگی مصر آزاد کرد»^۲. تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد. «هیچگونه بتی به شکل حیوان یا پرنده یا ماهی برای خود درست نکن در برابر آنها زانو زن و آنها را پرستش نکن زیرا من که، خداوند، خدای تو می‌باشم خدای غیوری هستم و کسانی را که با من دشمنی کنند، مجازات می‌کنم این مجازات شامل حال فرزندان آنها تا نسل سوم و چهارم نیز می‌گردد اما کسانی که بر مرا دوست داشته باشند و دستورات مرا پیروی کنند، تا هزار پشت رحمت می‌کنم از نام من که خداوند، خدای تو هستم سوءاستفاده نکن»^۳. اگر نام مرا با بی احترامی به زبان بیاوری یابه آن قسم دروغ بخوری، تو را مجازات می‌کنم. روز سبت را به یاد داشته باش و آن را مقدس بدار. در هفته شش روز کار کن ولی در روز هفتم که سبت خداوند است هیچ کار نکن، نه خودت، نه پسرت، نه دخترت نه، غلامت نه

^۱ خروج، باب های ۲۴-۳۱

^۲ ۲۰: ۴-۵ خرو ۳۴: ۱، لاو ۱۹: ۴، ۲۶: ۱، تث ۴: ۱۵-۱۸، ۲۷: ۱۵

^۳ ر. ک: ۲۰: ۵-۶ خرو ۳۴: ۷، اعد ۱۴: ۱۸، تث ۷: ۹-۱۰

کنیزت، نه مهمانانت و نه چهارپایانت چون" خداوند در شش روز، آسمان وزمین و دریا و هر چه را که در آنهاست آفرید و روز هفتم دست از کار کشید پس او آن روز را مبارک خواند و آن را روز استراحت تعیین نمود.^۱ پدر و مادرت را احترام کن تا در سرزمینی که خداوند، خدای تو به تو خواهد بخشید، عمر طولانی داشته باشی.

- قتل نکن
- زنا نکن
- دزدی نکن
- دروغ نگو
- چشم طمع به مال و ناموس دیگران نداشته باش.
- به فکر تصاحب غلام و کنیز، گاو و الاغ، و اموال همسایه ات نباش.^۲

وقتی قوم اسرائیل رعد و برق و بالا رفتن دود را از کوه دیدند و صدای شیپور را شنیدند، از ترس لرزیدند. آنها در فاصله ای دور از کوه ایستادند و به موسی(ع) گفتند: تو پیام خدا را بگیر و به ما برسان و ما اطاعت میکنیم خدا مستقیماً با ما صحبت نکند، چون میترسیم بمیریم. گفت: «نترسید، چون خدا برای این نزول موسی(ع) کرده که قدرت خود را بر شما ظاهر سازد تا از این پس از او بترسید و گناه نکنید. در حالیکه همه قوم آنجا ایستاده بودند، دیدند که موسی(ع) به ظلمت غلیظی که خدا در آن بود، نزدیک شد.^۳

۹-۳_ پایان امر موسی(ع)

حضرت موسی(ع)، در اواخر عمر خویش و زمانی که صد بیست سال داشت، از سوی خداوند دستور یافت تا یوشع با عنوان وصی خویش به همگان اعلام فرماید. آن حضرت نیز دستور خداوند را انجام داد. سپس تورات را نگاشته

^۱ ۲۰:۷ لاو ۱۹:۱۲

^۲ ۸:۲۰ خرو ۱۶:۲۳-۳۰، ۳۱:۱۲-۱۴

^۳ تثنیه ۱:۵-۲۱

و آن را به بنی‌لاوی سپرد.^۱ آن حضرت در نهایت در زمین موآب رحلت فرمود و در دره‌ای مدفون گردید. طبق گزارش تورات، تاکنون احدی از محل قبر آن حضرت خبر ندارد^۲

۴_ مقایسه تطبیقی سرگذشت حضرت موسی (ع)

با توجه به منابعی که در دسترس بود تا حد توان تناقض بیانات مسیحیت در رابطه با سرگذشت حضرت موسی (ع) با قرآن بیان می‌شود.

۴_۱_ حضرت موسی (ع)

آنچه در باب دوم سفر خروج آمده با آنچه در قرآن آمده است شباهتهای بسیار دارد و تفاوتها ناچیز است تفاوت اصلی آن است که براساس قرآن همسر فرعون کودک را سرپرستی کرد اما تورات می‌گوید دختر فرعون موسی (ع) را به فرزند خواندگی قبول کرده است. زندگی در قصر فرعون سبب آشنایی موسی (ع) با حکمت و دانش شد و چوپانی گوسفندان شعیب او را صبور و بردبار ساخت این امر مهم هم در قرآن و هم در تورات بیان شده است.

۴_۲_ معجزات

سخن قرآن درباره معجزات مانند سخن تورات است و همین دیدگاه در مورد بعثت موسی (ع) در بیشتر سوره‌ها بیان میکند^۳ و برخی از این معجزات را نیز در سوره اعراف^۴ یا سوره اسراء^۵ بیان میکند. البته تفاوت‌هایی نیز بین قرآن و تورات در این باره وجود دارد قرآن معجزه ی عصا را متعلق به موسی (ع) میداند نه هارون، تورات میگوید موسی (ع) فقط برای نجات بنی اسرائیل، آمد، ولی قرآن معتقد است که او وظیفه داشت فرعون را به ایمان عمل

^۱ تثنیه ۱: ۳۱-۹ و ۲۴-۲۶

^۲ تثنیه ۳۴: ۱-۶

^۳ طه، آیه ۱۱ تا ۱۶

^۴ اعراف، آیه ۱۳۰ و ۱۳۳

^۵ اسراء، آیه ۱۰۱

صالح و ترک کفر دعوت کند و سپس به فکر نجات بنی اسرائیل باشد و تورات میگوید فرعون خود به موسی (ع) گفت هر جا می خواهید بروید، ولی قرآن میگوید موسی (ع) به اذن خدا بنی اسرائیل را مخفیانه از مصر بیرون برد،^۱ نه به اذن فرعون، قرآن معتقد است موسی (ع) عصای خود را به دریا زد ولی تورات میگوید موسی (ع) دست خود را به طرف دریا دراز کرد اما در مجموع، اصل داستان و چگونگی بعثت موسی (ع) و نجات بنی اسرائیل مورد توافق قرآن و تورات است.

نتیجه گیری

مقایسه انبیا در تورات و قرآن و بیان موارد تشابه و افتراق نه تنها در شناخت بهتر از این انبیا نقشی دارد، بلکه می تواند موضوعی مناسب برای گفت و گوهای بین ادیانی باشد. داستان حضرت موسی (ع) نیز از مواردی است که شباهت های مهمی میان تورات و قرآن در آن وجود دارد و تفاوتها جزئی است؛ مانند اینکه تورات تربیت موسی (ع) را به دست دختر فرعون میداند اما قرآن آن را به دست فرعون و همسرش می داند؛ تورات عصای هارون را معجزه گر میداند، اما قرآن عصای موسی (ع) را تورات معتقد است موسی (ع) فقط برای نجات بنی اسرائیل ارسال شد اما قرآن معتقد است موسی (ع) برای هدایت فرعون و سپس نجات بنی اسرائیل ارسال شد؛ تورات باز شدن دریا را به دست موسی (ع) نسبت میدهد، اما قرآن آن را به عصای موسی (ع) نسبت میدهد، تورات هارون را سازنده گوساله میداند اما قرآن سامری را می داند. سرگذشت حضرت موسی (ع) در دین مسیحیت تفاوت های جزئی با اسلام دارد ولی همان طور که گفته شد اصل مسئله یکی هست.

^۱ شعراء، آیه ۵۹

منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. تاریخ انبیا، عمادالدین حسین اصفهانی (عمادزاده، انتشارات کتابفروشی اسلامی، تهران چاپ سوم، ۱۳۴۷ش، ج ۲، ص ۴۹۲؛ قصص الأنبياء، قطب الدین راوندی، مرکز پژوهشهای اسلامی مشهد چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ص ۱۴۸.
۴. تفسیرقمی، علی بن ابراهیم قمی، دارالکتاب، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۱۳۸
۵. روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتح رازی، بنیادپژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۴۰۸ق، ج ۱۵
۶. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۰۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.
۷. کتاب مقدس، ترجمه قدیم، سفر خروج عهد جدید عهد قدیم
۸. کتاب مقدس، سفر پیدایش، عهد جدید عهد قدیم
۹. مقاله: «ابراهیم و خاندانش در تورات و قرآن»
۱۰. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۳۷۵.